

عنوان مقاله:

ساختار گفتمان مسلط در کتاب الانسان الكامل عزیزالدین نسفی

محل انتشار:

نخستین همایش ملی تحقیقات ادبی با رویکرد مطالعات تطبیقی (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسنده:

ندا امین - دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، مدرس دانشگاه علوم پزشکی ایران و دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

خلاصه مقاله:

عزیزالدین نسفی نویسنده سده هفتم هجری در حوزه عرفان اسلامی است که در آثار خود به تشریح اصول و مبانی تصوف پرداخته است. تشکیل گروه های مختلف و متنوع تصوف و رشد و گسترش این حوزه در بافت موقعیتی تولید این متن و گرایش بیش از پیش مردم به آن، موجب شد که نویسندگان عارفی همچون نسفی ضرورت تبیین دقیق مباحث و اصول تصوف و در پی آن تدوین این مطالب را احساس کنند. این هدف و ضرورت تلازم گفته با کارکردهای اجتماعی و معنایی آن، به کارگیری ساز و کار بیانی خاصی را ایجاب می کند که: سادگی بیان و ثرکتاب، تاکید بر تدوین مطالب در جهت پاسخ به فراگیرندگان، مخاطب قرار دادن فراگیرندگان تعلیم در آغاز مطالب، تفصیل و تکرار در شرح مطالب، سیر تکاملی مطالب و دنبال کردن ایدئولوژی و هدف مشخص، تاکید بر تصحیح اندیشه های نادرست، استفاده از ساختار استدلال و تشبیه در تشریح و تبیین مطالب و کاربرد شیوه های متنوعی از ساختارهای بیانی تاکید از جمله این موارد است. از سوی دیگر در این اثر سالک به عنوان یکی از مشارکان مرکزی گفتمان سلوک، چهره مقتدری ندارد و تنها صدایی که در گفتمان متن شنیده میشود، صدای مولف است که در جایگاه هدایتگر و تعلیم دهنده، مشارکی فعال است و مدام مخاطب منفعل متن را با افعال امر و نهی مورد خطاب قرار می دهد. بافت این متن، بافتی گوینده محور است که با کاربرد سازو کارهای بیانی که ذکر شد؛ گفتمان تعلیمی را به عنوان بارزترین و مسلط ترین گفتمان متن بنا می نهد.

کلمات کلیدی:

الانسان الكامل، گفتمان تعلیمی، عزیز الدین نسفی، بافت موقعیت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/902210>

